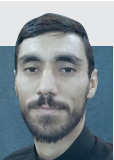


دعای باران در مسجد سر پولک



سیداسماعیل بهبهانی در دوره ناصرالدین شاه امام جماعت مسجد بهبهانی در محله سرپولک بود. در همان سال ها، تهران با خشکسالی روبه‌رو شد و کمبود باران زندگی مردم را دشوار کرد. سیداسماعیل بهبهانی با همراهی اهالی، نماز باران برپا کرد و باران بارید. این رخداد سبب شد توجه و ارادت مردم و نیکوکاران به این مکان مذهبی افزایش یابد و زمینه توسعه مسجد فراهم شود. مسجد بهبهانی از همان آغاز، تنها محلی برای اقامه نماز جماعت نبود، بلکه پایگاهی فعال برای برگزاری مراسم عزاداری، مجالس روضه‌خوانی و احیای شب‌های قدر به‌شمار می‌رفت. حضور گسترده مردم از نقاط مختلف تهران، جایگاه اجتماعی این مسجد را تقویت کرد؛ تا آنجا که حتی ناصرالدین‌شاه و برخی درباریان نیز در برنامه‌های مذهبی آن شرکت می‌کردند. این مسجد در ابتدا با نام «مسجد سرپولک» شناخته می‌شد. پس از مهاجرت آیت‌الله سیداسماعیل بهبهانی از محله ملاحسنی‌های شهر بهبهان به تهران و سکونت او در کنار مسجد، نام مسجد نیز به بهبهانی شهرت یافت. گفته می‌شود ناصرالدین‌شاه در یکی از سفرهای خود به نجف با او آشنا شد و تحت تأثیر اخلاق، منش و رفتار پسن‌دیده‌اش قرار گرفت. همین آشنایی باعث شد شاه از او دعوت کند برای هدایت مردم و آموزش احکام اسلامی به تهران بیاید. سیداسماعیل نیز این دعوت را به‌عنوان تکلیف دینی پذیرفت و با خرید خانه‌ای در مجاورت مسجد، امامت جماعت آن را بر عهده گرفت. پس از درگذشت سیداسماعیل بهبهانی در سال ۱۲۵۸ و انتقال پیکرش به نجف، فرزندش آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی اداره مسجد را عهده‌دار شد. او از چهره‌های سرشناس سیاسی و مذهبی عصر خود و از مخالفان عین‌الدوله، صدراعظم دوران مظفرالدین‌شاه و احمدشاه بود. اعتراض او به رفتار موسیو ژوزف نوز، مسئول بلژیکی گمرکات، نقش مهمی در تحولات سیاسی آن دوره داشت. در نهایت، سیدعبدالله به یکی از رهبران جنبش مشروطه بدل شد و ۲۴ تیر سال ۱۲۸۹ در خانه‌اش به‌دست چند نفر ترور شد.



شهادت مظلومانه یک معلم

شهید حسین بابری از شهدای نآرامی‌های دی‌ماه مردودشت است. این معلم هنگامی که در برابر تخریب اموال عمومی ایستادگی و از امنیت شهر دفاع می‌کرد، بر اثر اصابت گلوله به پهلو به شهادت رسید. او پدر ۲ دختر خردسال بود و به دانش‌آموزان کلاس ششم دبستان درس می‌داد.

گزارش

سیدۀ کلثوم موسوی | خبرنگار | سرویس و نگهداری آسانسور را در بیمارستان امیراعلم به‌عهده داشت. شب ۱۸دی‌ماه در آشوب اغتشاشات، گلوله‌ای از فاصله نژدیک به قلبیش اصابت می‌کند و مردم پیکر بی‌جانش را به بیمارستان لقمان منتقل می‌کنند و تا همیشه داغی می‌شود بر دل خانواده. حالا خیابان‌های پیروزی و محله پاسدار گمنام هم حکایت پر کشیدن محمدحسین پایدار حسینی را فر یاد می‌زنند. روایت شهادت محمدحسین را از زبان پدرش، محسن پایدار حسینی که ساکن قم است، می‌خوانیم.

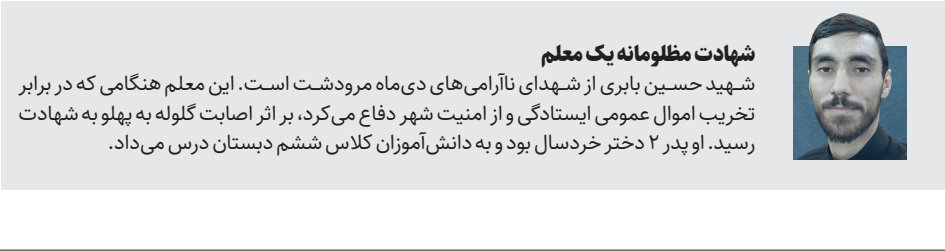
خبر تکان‌دهنده

۲۳ساله بود و با مادر بزرگش در تهران زندگی می‌کرد. به‌گفته مادر بزرگش، شب حادثه قرار بود محمدحسین برای تعمیر لوله‌های آب و تأسیسات منزل دوستش برود. از حوالی ساعت ۲۱ شب پنجشنبه گوشی‌اش از دسترس خارج شد و شب به منزل برگشت. تا حدود ساعت ۹:۳۰ خبری از او نشد. نگرانی‌ها

گلوله‌ای از فاصله نزدیک

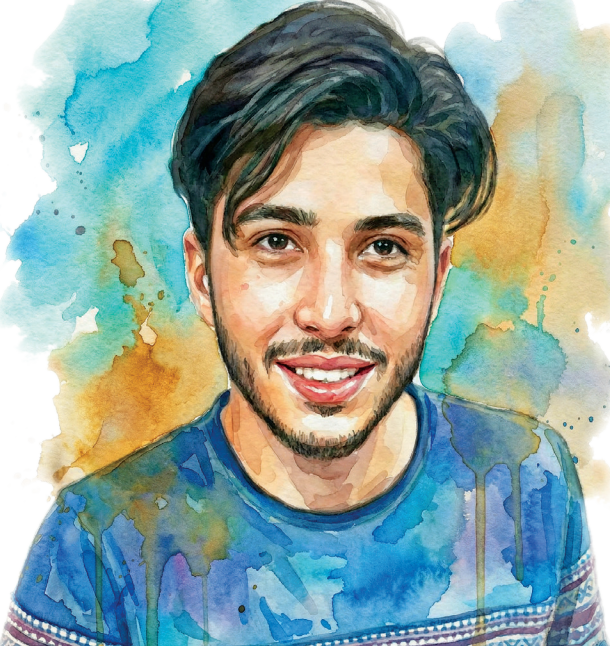
گلوله‌ای که به محمدحسین اصابت کرده بود، از فاصله نزدیک به قلبیش شلیک شده بود. بدنش خراشی نداشت که بتوان گفت از موتور افتاده است. لباس‌هایش، ساعتش و حتی موتورش را هم برده بودند. عقل سلیم می‌گوید که احتمالاً او را از موتور پیاده کرده، سپس به او شلیک کرده‌اند. اگر نیروی امنیتی شلیک کرده بود، نه او را عریان می‌کرد و نه پیکرش

به‌عنوان پدر و مادر باید خیلی حواسمان به دوستان و همنشینان فرزندانمان جمع باشد. از فضاهای مخرب مجازی که فرزندانمان در آنها خودشان را از رشد می‌دهند نباید غافل شویم. از شبکه‌های فارسی‌زبان که به‌لحاظ مالی به‌شدت تحت حمایت دشمنان ما هستند نباید غفلت کنیم. در این آشوب‌ها فقط محمدحسین من نبود که بی‌گناه کشته



پرواز خونین از محله پاسدار گمنام

پدر شهید محمدحسین پایدار حسینی از شهادت پسرش در شامگاه خونین ۱۸دی می‌گوید



قلب مهربان و نیت پاک

مکت پدر شهید می‌گوید: «محمدحسین بسیار مسئولیت‌پذیر بود و هیچ‌گاه دعوا و آشوب را نمی‌پسندید. همه دغدغه‌اش کار، پیشرفت و ساختن آینده‌ای روشن بود. اما حالا به‌جای کلاس دانشگاه و درس و ورزش، زیر خروار خاک آرام گرفته و حسرتی سنگین بر دل خانواده مانده است. او آرزوهای بزرگی برای فردایش داشت و امید در نگاهش موج می‌زد. اراده‌ای راسخ داشت و بیشترین تلاش را می‌کرد تا لبخند بر لبان خانواده بنشاند. شاید همین قلب مهربان و نیت پاک بود که خدا خردارش شد.»

دادخواهی برای خون شهیدان

حوزه حقوق و دستگاه قضایی هم تقاضا دارم به خونخواهی همه عزیزان از دست‌رفته در فتنه اخیر، مراتب تشکیل پرونده و رسیدگی به ابعاد مختلف موضوع را در سطح گسترده در دستور کار خود قرار دهند و علیه تمامی عناصر اثرگذار داخلی و خارجی در محاکم قضایی داخلی و بین‌المللی اقامه دعوا کنند. این جوان و جوان‌های عزیزی که کشته شدند،

شهروند محله فردوس، دغدغه آموزش و راهنمایی اهالی را دارد

خلبان بازنشسته، محبوب «نسل زد»



گزارش آرش سلیمی‌فر | خبرنگار | مسجد فقط محل عبادت نیست و خیلی از فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی می‌تواند از این مکان معنوی آغاز شود؛ نمونه‌اش مسجد قمرینی هاشم(ع) محله فردوس غرب است که به همت محمدرضا طالبیون به یک باتوق فرهنگی و آموزشی نوجوانان و جوانان تبدیل شده‌است. این خلبان بازنشسته محبوب بچه‌های «نسل زد» با هر تیپ و سلیقه است.

«مسجد خانه خداست،

اما خانه مردم هم هست. نباید

دره‌ایش را به روی کسی ببندیم؛ حتی اگر

سلیقه یا سبک زندگی‌اش با ما متفاوت باشد.»

این جمله کلیدی محمدرضا طالبیون، فعال فرهنگی

محله فردوس غرب است. چکیده نگاه او به مسجد

به‌عنوان «قضایی فراگیر» است و می‌گوید: «مسجد باید

پناهگاهی امن برای تمام جوانان باشد؛ چه آنهایی که نماز

می‌خوانند، چه آنهایی که هنوز در جست‌وجوی معنویتند

و حتی آنهایی که شاید امروز دغدغه دینی ندارند اما نیاز

به حمایت اجتماعی و فرهنگی دارند. مسجد جای

هر جوانی است؛ حتی اگر از دین فاصله گرفته

باشد. مسجد باید باتوق امن و اثرگذار برای

نوجوانان و جوانان محله باشد.»

مشاوره رایگان آقای مدیر در مسجد طالبیون، این خلبان بازنشسته معتقد است نباید نوجوانان را به‌خاطر مشکلاتشان سرزنش کرد، بلکه باید نیازهایشان را شناخت و به آنها کمک کرد. او هیچ‌وقت برای مشاوره‌های آموزشی و فرهنگی از خانواده‌ها پولی نمی‌گیرد و کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی را به‌صورت رایگان در مسجد و دیگر مراکز فرهنگی محله برگزار می‌کند. کلاس‌های او فقط آموزش زبان نیست، بلکه مسائل فرهنگی، تربیتی و دینی هم در آن مطرح می‌شود و نوجوانان با علاقه به صحبت‌هایش گوش می‌دهند. ناگفته نماند او از نخستین کسانی است که مؤسسه انقلابی آموزش زبان انگلیسی را در کشور راهاندازی کرد و با حمایت بنیاد مستضعفان، موفق شد این مؤسسه را در استان کشور گسترش دهد.



افطاری با جوان‌ها

او علاوه بر این فعالیت‌های مسجدی، مدیریت مراکز فرهنگی و آموزش کامپیوتر و حسابداری را هم در برنامه‌های خود قرار داده و هزاران هنر جو را آموزش می‌دهد. یکی از کارهای جالب او، برگزاری مراسم افطاری در ماه رمضان برای هنر جوانان زبان انگلیسی است که باعث ایجاد فضای صمیمی و تقویت فرهنگ دینی در مؤسسه می‌شود.

معرفی کتاب

مریم مر ترضوی؛ خبرنگار

پسرک فلافل فروش



کتاب «پسرک فلافل فروش» زندگینامه و خاطرات طلبه بسیجی، شهید مدافع حرم هادی ذوالفقاری را روایت می‌کند که در گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی تألیف شده است. پسرری محبوب و سر به‌زیر که از همان ابتدای کودکی نیز خلق

و خوی خاصی داشت و آسمانی بود. او به شهید ابراهیم هادی علاقه داشت و آنقدر دلبسته شهید هادی بود که رفتار و کارهایش تماماً رنگ و بوی او را به‌خود گرفته بود. همیشه دغدغه مفید بودن داشت و از هر فرصتی برای کار در مسجد و فعالیت‌های فرهنگی استفاده می‌کرد. بچه پایین شهر، میدان خراسان، عاشق ساندویچ فلافل بود و مدتی نیز در فلافل‌فروشی برای یادگرفتن کار مشغول شد و پس از آن نیز مدتی در بازار کار کرد. با درآمد اندکی که داشت گره از کار اطرافیان باز می‌کرد و به دوستانش هم زیاد پول قرض می‌داد. او در دوره‌ای به حوزه علمیه رفت و درس طلبگی خواند. مدتی هم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و ...

در قسمتی از کتاب آمده:

به مرور رفت‌وآمد هادی به منازل دوستان طلبه‌اش بیشتر شد. در این رفت‌وآمدها متوجه شد که بیشتر دوستان طلبه‌اش، از خانواده‌های مستضعف نجف هستند. بسیاری از این خانواده‌ها در منازلی زندگی می‌کنند که از نیازهای اولیه نیز محروم هستند. این خانه‌ها آب لوله‌کشی نداشت. باینکه آب لوله‌کشی تا مقابل درب خانه آمده بود، اما بضاعت مالی برای لوله‌کشی نداشتند. این موضوع بسیار او را رنج می‌داد.

برای همین به تهران آمد و به سراغ دوستانش رفت. دستگاه‌های مربوط به لوله‌کشی را خرید و بیشتر روزی در مغازه یکی از دوستانش ماند تا نحوه لوله‌کشی با لوله‌های جدید پلاستیکی را یاد بگیرد. هر چه را لازم داشت تهیه کرد و راهی نجف شد. صبح تا عصر در کلاس درس مشغول بود و بعد از ظهر ها برای کار به خانه طلبه‌های نجف می‌رفت.

آگهی دعوت شرکت سپهرساز سه‌مهر سه‌امه خاص
به شماره ثبت ۳۲۴۶۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۳۸۸۶

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت که در تاریخ ۱۳۰۴/۱۲/۱۴ راس ۱۰:۰۰ به نشانی استان اصفهان، شهرستان اصفهان، بخش مرکزی، شهر اصفهان، سپاهان شهر، بلوک ۲۳۱، خیابان معراج، کوچه آبان شرقی ۹، پلاک ۸، مجتمع جیم، قطعه۱۲۴، طبقه همکف، واحد ۱ به کد پستی ۸۱۷۹۹۹۱۵۶ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: انتخاب مدیران / انتخاب بازسان

هیئت مدیره

وضعیت قرمز آبی
بایز تهران خشک‌تر از تاجستان

به پویش ۲۰ در ۳۰ پیوندید

آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۱۷

سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی تهران در نظر دارد، انجام عملیات تعمیر و نگهداری ایمنی (به‌همراه تأسیسات مکانیکی و برقی مرتب) در تمامی اماکن و ایستگاه‌های سازمان آتش‌نشانی خود را در محدوده شهر تهران طبق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، از طریق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای و گذاشتن نماینده‌ای از کلیه متقاضیان واجد شرایط دارای رتبه‌بندی از سازمان برنامه و بودجه کشور (حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه و رتبه ۵ رشته تأسیسات) و دارای سابقه تعمیر و نگهداری اماکن و ساختمانهای دولتی دعوت بعمل می‌آید، حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ درج این آگهی در ساعات اداری، ضمن واریز مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ ریال بابت شرکت در مناقصه به حساب جاری شماره ۱۰۹۳۳ بانک شهر شعبه آزادی یادگار کد ۲۱۸ به نام این سازمان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک شهر) و در دست داشتن معرفی‌نامه و رسید وجه پرداختی (سیدزرد رنگ) جهت دریافت اسناد مناقصه در ساعات اداری به دبیرخانه کمسیون معاملات واقع در تهران خیابان آزادی، نبش خیابان میمنت مراجعه نمایند.

■ **دبیرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱۵۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.**

■ **مهلت ارائه پیشنهادها تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ می‌باشد.**

■ **انجام معامله از طریق انعقاد قرارداد صورت می‌پذیرد.**

■ **محل تسلیم پاکات پیشنهادی، دبیرخانه سازمان واقع در تهران خیابان آزادی نبش خیابان میمنت می‌باشد.**

■ **سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد.**

روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران

موضوع آگهی: ابلاغ رای آقای حسین بحیرایی متولد ۱۳۶۳

فرزند مهدی صادره از نپاوند

شماره رای: ۱۱۹/۱۳۳۸۴۲۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

مراجع رسیدگی‌کننده: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری

کارکنان شهرداری تهران

نظر به اینکه پرونده شما در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شهرداری تهران بررسی و با توجه به اتمام منتهب که با بند ۲۹ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۰۷/۰۹ مجلس شورای اسلامی منطبق می‌باشد به استناد بند ۹ ماده ۹ قانون مذکور به مجازات اخراج از دستگاه متبوع محکوم می‌گردید، لذا مقتضی است در صورت داشتن اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست تجدیدنظرخواهی خود را به نشانی: تهران، میدان جمهوری، بزرگراه نواب صفوی، تقاطع خیابان امام خمینی (ره)، ساختمان منابع انسانی، تسلیم نمایید. در غیر اینصورت باستناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون مذکور از تاریخ انقضاء مهلت یاد شده رای صادره لازم الاجرا می‌گردد.

قدرت‌الله محمدی-مدیرعامل و عضو هیات مدیره

باهره شهرای درم‌ترو

دیده‌شوید

تبلیغات محیطی ایستگاه‌های مترو

تبلیغات بدنه قطار

تبلیغات درون واگن‌ها

پذیرش آگهی ۱۸۱۹